

■ شیلی با یک فاجعه ملی روبه رو است

■ کشف جسد بر فراز درخت

■ نجات معجزه‌آسای راننده پس‌از سقوط از صخره‌ها



◀ نادر ستمگل به اتهام قتل ۷ نوزادش در طول ۱۰ سال دستگیر شد

زن ستمگل
به اتهام قتل ۷ نوزادش
دستگیر شد



◀ پلیس در حال تحقیق در کاراز خانه

پس از ۴۰ سال فاش شد

اثبات بی گناهی متهم به قتل زنان ثروتمند در آستانه اعدام

گروه شوک: یک خبرنگار کنجکاو با بازنگری در پرونده قتل‌های سریالی زنان مسن در جورجیا ای آمریکا، متهم محکوم به مرگ را در یک قدمی آزادی قرار داده است. در سال ۱۹۷۰ (پیش از ۴۰ سال پیش) پلیس جورجیا پی برد جنایتکار ناشناسی پس از آزار و اذیت و قتل زنان مسن و ثروتمند شهر دست به سرقت از خانه‌های آنها می زد و مأموران با همه جست و جوها موفق به شناسایی قاتل سریالی نمی شدند. در ادامه تحقیقات چندساله این پرونده میهم بیش از ۱۰۰ مظنون بازداشت شدند اما مدرکی علیه آنها به دست نیامد.

این سردرگمی سال‌ها ادامه داشت و از آنجا که قتل‌های زن‌جیرهای زنان بازتاب گسترده‌ای در کشور داشت، پلیس پس از شش سال جست‌وجو سرانجام یک مرد فراری را دستگیر کرد که چند بار دست به سرقت از رستوران‌ها زده بود. چارلتون گری که از نظر پلیس عامل قتل زنان بیوه و ثروتمند شناخته شده بود در عملیات گسترده پلیسی دستگیر شد و دو سال بعد از بازداشت، محاکمه‌اش آغاز شد. بر خلاف روند کند پیگیری ر پرونده‌ها، روند محاکمه این مرد به سرعت پیش رفت و قاضی دادگاه پس از بررسی شواهد، حکم به اعدام این مرد با تزریق سم داد. چارلتون گری تا تأیید حکم اعدام به زندان انتقال داده شد و در آنجا نامه‌ای برای یک دندانپزشک در نورفولک فرستاد تا برایش وکیل بگیرد. چارلتون سال‌ها پیش زمانی که زندان بود، با این دندانپزشک در مؤسسه خیریه زندان آشنا شده بود. این دندانپزشک هم برایش وکیلی گرفت و بار دیگر پرونده را به جریان انداخت اما هیچ مدرکی برای اثبات بیگناهی چارلتون پیدا نشد و بسیاری از مدارک پرونده هم در طول سال‌ها گم شده بود.

در این شرایط یک خبرنگار آمریکایی به نام «دیوید» به موضوع کنجکاو شد و با استفاده از روابط و نفوذی که در دادگاه‌ها داشت توانست

اصفهان مویه کن /پاورقی- قسمت ۲۸۵

اشاره‌ای به گذشته: پس از فرار اشرف افغان از اصفهان و

سفر به سوی شیراز، نادر افشار پس از شکست دادن سپاه افغان پیروزمندانه وارد اصفهان شد. از سوی دیگر زنان حرمانه کاخ شاهی، همسران و خویشاوندان اشرف با چند واگن اسبی در نظارت شیخ پیرمحمد میانجی و تحت محافظت چند غلام مسلح به سوی قزوین می گریختند که در میانه راه به علت جاری شدن سیلاب و ریزش جاده کوهستانی برای چند روز در یک کاروانسرا ماندگار شدند. از سوی دیگر پهلوان حیدر که گمان می کرد اشرف افغان در یکی از واگن‌های اسبی، در میان زنان حرمسرایش پنهان شده است همراه مردان جنگجویش به سوی کاروانسرا حرکت کردند...

هنگام صبح دو خواجه سیاه در کاروانسرا به پای در یک به یک حجره‌ها می رفتند و به خاتون‌ها خبر می دادند: ساعتی بعد کاروان حرکت خواهد کرد. پس از خوردن صبحانه، کنیزها و خواجه‌ها وسایل سفر را جمع کنند.

ندیمه‌ها هم خاتون‌ها را یاری رسانند تا سوار واگن‌ها شوند. پیشقراول‌ها خبر آورده بودند که جاده کوهستانی برای رفت و آمد قافله‌ها آماده شده و خطری برای عبور واگن‌های اسبی نیست.

نسیم خنکی می‌وزید و در گرمی دلپذیر آفتاب از زمین

گروه شوک: مادری در «اوتا»ی آمریکا به اتهام قتل وحشیانه ۷ فرزند تازه متولد شده خود در کاراژ خانه‌اش دستگیر شد. بقایای اجساد این کودکان که همگی درون جعبه‌های کوچکی پنهان شده بود حدود یک سال پس از آخرین جنایت او توسط همسر سابقش پیدا شد. «مگان هانتسمن» ۳۹ ساله در مدت ۱۰ سال (۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ میلادی) ۷ بار حامله شده بود که به گفته ساکنان محلی و خویشاوندانش هرگز کسی متوجه بارداری‌اش نشده بود و همیشه لباسی بر تن او بود که کسی بی به بارداری او نبرد. در طول این سال‌ها شوهر سابق این زن به اتهام توزیع مواد مخدر به زندان افتاده بود ولی رابطه ناشویی خود را قطع نکرده بودند و مرد با برگرفتن مرخصی‌هایی به خانه می‌رفت. به گفته سخنگوی پلیس «اوتا» هنوز با قاطعیت نمی‌توان این نوزادان را متعلق به این زوج دانست اما تحقیقات ادامه دارد. مرد

زندانی که پس از آزادی و بازگشت به خانه همراه یکی از دوستانش مشغول تمیز کردن کاراژ خانه بود، ناگهان یکی از جعبه‌ها را پیدا کرد و با دیدن جسد نوزادی به هراس افتاد. این مرد بافاصله با دیدن این جسد با پلیس تماس گرفت و مأموران در جست‌وجوی خانه اجساد دیگری را نیز پیدا کردند. با این شواهد زن دستگیر و به اتهام قتل فرزندانش زندانی شد. به‌رغم آغاز بازجویی‌ها از این زن هنوز انگیزه او از این کودک‌آزاری و کشتار بی‌رحمانه مشخص نشده است. شوهر سابق این زن که مدعی است دست‌کم پدر چند تن از این کودکان بوده است تقاضای تحقیق پلیس را دارد اما به هر حال برای مشخص شدن ارتباط این کودکان با شوهر سابق این زن، تست DNA از اجساد گرفته شده است. این زن تا به حال به قتل کودکانش اعتراف کرده اما هنوز درباره انگیزه این کار حرفی نزده است.



◀ چارلتون گری به اتهام قتل زنان مسن و ثروتمند امریکا سال‌ها در زندان است



◀ آخرین تصویر از «گری» در زندان



◀ ردپای زنانه یک وسیله انگشتی در کنار یک لباس زنانه در نزدیکی محل کشته شدن او



◀ ردپای زنانه یک وسیله انگشتی در کنار یک لباس زنانه در نزدیکی محل کشته شدن او

خیس، نرمه بخاری برمی‌خاست. خورشید در آسمان آبی و بی‌لک می‌درخشید و پر تو طلایی‌اش به رنگ عسل کوهستانی بر دشت و صحرا می‌تابید. کاروان از جاده‌ای با فراز و نشیب ملایم که همچون نواری خاکستری در میان دشتی سرسبز گسترده بود، می‌گذشت. نازگل پای درپچه واگن نشسته بود و در تماشای دشت بر شقایق، عطر نجیب گل شیدرهای وحشی را با اشتیاق می‌بوید. ندیمه‌اش زانوگشان خودش را به کنار او رساند و دور از نگاه زنان و دختران، تکه کاغذ مچاله‌شده‌ای را در دامن خاتونش فرو برد و آهسته در گوشش گفت: خاتون پنهانش کن!

نازگل لب شال دور گردنش را بر روی تکه کاغذ کشید و پنهانش کرد. نگاهی به زنان و دختران کرد که سر گرم گفت‌وگو با هم بودند و توجهی به او نداشتند. رو به ندیمه‌اش گردانید و با اشاره چشمانش فهماند:

«این کاغذ مچاله چیست؟» گلرخسار سر در گوش خاتونش برد و گفت:

«یک خواجه جوان، هنگام سوار شدن خاتون‌ها و همراهان‌شان در کف دستم گذاشت و تأکید کرد به شما برسانم و اصرار کرد میدا کسی بفهمد و گرنه سرش به باد خواهد رفت. –همن جوان گر جستانی؟

–آری خاتون چه خواجه مهربان و باشخصیتی.

پس از ۳ سال تحقیق و جست‌وجو به نتیجه رسید

کشف جسد بر فراز درخت



گروه شوک: مأموران امنیتی انگلستان از یافتن جسد مردی بر فراز یک درخت ۱۲ متری پس از سه سال جست‌وجو خبر دادند. اسکلت «جورج اسلیاچچوو» جوان ۲۱ ساله اهل کشور «لیتوانی»

بر بالای درختی در نزدیکی یک باشگاه گلف توسط سگ‌های پلیس پیدا شده است. استخوان‌های اسکلت جوان گمشده به طرز عجیبی در میان شاخ و برگ درختی در یکی از پارک‌های شهر «بودنموث» قرار گرفته بود. طبق اظهارات مأموران پلیس در سال ۲۰۱۱ میلادی عکسی از جوانی گمشده در سراسر شهر پخش شده بود که پلیس تیمی ویژه را برای جست‌وجوهای میدانی فراخواند، اما تلاش‌های پلیس در طول این سه سال بی‌نتیجه ماند. دوستان جوان گمشده گفته بودند وی به لیتوانی بر گشته و بر این اساس تلاش مأموران پلیس برای یافتن جوان گمشده متوقف شد، اما اظهار بی‌اطلاعی خانواده این جوان بار دیگر فرضیه‌هایی را درباره قتل، آدم‌ربایی و قاچاق او قوت بخشید تا این که پلیس با گذشت سه سال اسکلت‌اش را بر فراز درختی در پارک پیدا کرد. تحقیق درباره این جنایت هم‌روز ادامه دارد.

۱۳

- سهشنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۹۳
- ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۳۵
- ۱۵ آوریل ۲۰۱۴
- سال بیستم
- شماره ۵۶۲۱

تترک

کلاهبرداری زن باور دنویسی های جادویی

سرهنگ گل صباچی رئیس پلیس آگاهی استان البرز گفت: زن دروغگو با انجام مانورهای ماهرانه مدعی شده بود که با جن‌ها در ارتباط بوده و می‌تواند هر نوع بیماری حتی آلزایمر را درمان کند.

وی افزود: در پی کلاهبرداری از زنی به بهانه رمالی و وردنویسی با توجه به اهمیت موضوع بلافاصله تیمی ویژه از اداره مبارزه با جرایم جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی دست به کار شد. وی افزود: این زن در تحقیقات ابتدایی مأموران ادعا کرد که از طریق خانواده‌اش با زن رمال آشنا شده و پس از مدتی رفت و آمد خانوادگی و کسب اطلاعات درباره برخی از مشکلات و مسائل زندگی خانواده‌اش‌گش با گرفتن فال قهوه و ادعای این که زندگی شما طلسم شده و باید این طلسم‌ها باطل شوند با احساسات وی بازی کرده و با همین شیوه پول هنگفتی از وی کلاهبرداری کرده است.

سرهنگ گل صباچی در خصوص شیوه و شگرد این رمال کلاهبردار گفت: زن جوان با انجام مانورهای تقلبی مدعی شده بود که با جن‌ها در ارتباط بوده و توانایی درمان بیماری آلزایمر، ثروتمند شدن، باز کردن قفل روزی، باز کردن بخت و... را دارد و در ازای تعدادی از ورده‌ها دستنویس کاغذی و خرمهره، حدود ۴۵ میلیون تومان از این خانواده کلاهبرداری کرده است.

رئیس پلیس آگاهی استان البرز گفت: با راهنمایی‌های مالباخته و انجام تحقیقات محسوس و نامحسوس از زن رمال، وی در یک عملیات پلیسی در خانه‌اش دستگیر شد.

وی افزود: این زن در بازجویی‌های مأموران با وجود انکارهای ابتدایی در مواجهه با شواهد و مدارک موجود و شگردهای خاص پلیسی اقرار کرد که تنها توانایی گرفتن فال قهوه را دارد و وردنوشته‌ها و رمالی توسط زن دیگری که همدست وی بود، انجام می‌شود. سرهنگ گل صباچی اظهار داشت: با توجه به اعترافات این زن، متهم ردیف دوم نیز در یک عملیات پلیسی دستگیر و به جرم خود مینی بر دعائویسی اعتراف و اقرار کرد که چندین سال است به چنین کاری مشغول است و تاکنون با این شیوه ۲۰۲ میلیون تومان از طعمه‌های خود کلاهبرداری کرده است. در بازرسی از خانه متهم اصلی تعداد ۹ مالباخته شناسایی و متهمان دستگیر شده پس از تشکیل پرونده جهت سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شده و از آنجا با قرار وثیقه قانونی ۳۰۰ میلیون تومانی روانه زندان شدند.

پیامی را که در تکه کاغذ مچاله شده نوشته شده بود، بخواند. به ندیمه‌اش گفت: «مراقبم باش تا پیام را بخوانم. اگر یکی از خاتون‌ها پیدای‌شان شد مرا خبر کن.»

پاییز فرشی از بر گ‌های خزان‌ی را بر کف جنگل فرش کرده بود و باد که در میان درختان می‌پیچید، برگ‌های طلایی را در هوای تارانه که چرخ زنان بر زمین فرود می‌آمدند، نازگل در خلوت میان درختان به تنه زبان گنجشک تنآوری تکیه داد. تکه کاغذ را از زیر شال حریری که به کمرش بسته بود در آورد و مشتاقانه شروع به خواندن نوشته کرد.

پیام همان خواجه جوان گرچی را می‌خواند که نوشته بود: «–خاتون مهربان، قصد گرفتن جان‌شمارا دارند، شاید هم امشب بخواهند شما را به قتل برسانند. لب به غذا و شربتی که برایتان می‌آورند نزنید که آلوده به زهر است.» خاتون دودست نازگل به ر عرشه افتاد، نفس در سینه‌اش تنگی کرده بود و عرق سردی بر پیشانی بلندش می‌نشست. خواجه گرجستانی خبر سوءقصد به جان نازگل را از زبان شیخ پیرمحمد میانجی شنیده بود.

خواجه جوان نیمه شب پیش که در کاروانسرا همه کاروانیان به خواب رفته بودند بیدار مانده و از پشت پرده حرف‌های شیخ پیرمحمد را شنیده بود که به پیشکارش الماس‌خان دستور کشتن نازگل و ندیمه‌اش را می‌داد.

نجات معجزه‌آسای راننده پس‌از سقوط از صخره‌ها



همه چیز خوب پیش می‌رفت، روز سرقت فرا رسید. پشت فرمان خودرویی که جواد برای همین سرقت تهیه کرده بود نشستم. آنها را به در بانک رساندم. جواد دو دوستش جوادرب زنه‌ای که باخودشان به همراه آورده بودند را روی سرشان کشیدند. اسلحه‌هایشان را در دست گرفتند و به سرعت وارد این بانک شدند. صدای جیغ و فریاد مراچه کنندگان فقط چند ثانیه طول کشید و چهار دقیقه بعد بود که هر سه آنها، با کیسه‌های پول‌رستم‌من دویدند به محض نشستن‌شان به‌راه افتادم و به سرعت دور شدم.

سهم را که گرفتم بلافاصله راهی خانه شدم. به دخترهایم گفتم تا زمانی که دوش گرفتم تمام شود، حاضر شوند تا شام را بیرون بخورم و بعد از آن همه به شهربازی برویم.

یک ساعت بعد همه‌گی مان برای ساختن یک شب‌شاد و جشن تمام شدن روزهای سیاه زندگی مان حاضر شده بودیم.

بر حیاط را که باز کرده‌ام، دنیا بر این سیاه شد. دو خودروی پلیس جلوی خانه بود و هفت هشت مأمور هم‌منتظر بیرون آمدن از خانه بودند. سردی دستبند پلیس را که روی دست‌هایم حس کردم، یادسفرش‌های همیشگی مادرم در اهمیت روزی، حلال افتادم.

– اما جناب بازپرس، من در این ماجرا هیچ نقشی نداشتم. فقط راننده بودم. نه اسلحه‌ای به دست گرفتم و نه حتی پایم را درون بانک گذاشتم. شما هم در این سرقت نقش داشتید و جرمانه

کتر از سایرین نیست. شک‌کنکند که به‌اندازه هر سارق مسلح، محکومیت‌نصیبتان خواهدشد. – اما من دودختر کوچک دارم که شب‌ها بدون من خوابشان نمی‌برد. جواب پدر و مادر پیرم را چه بدهم؟

– آن زمان که نقشه سرقت را می‌کشیدی هم به خواب‌دختر کوچولوهایت و پدر و مادر پیرت هم فکرمی‌کردی؟

برش شوک: مشارکت در سرقت، هر چند کوچک و غیر مستقیم باشد، جرمی بزرگ تلقی شده و مجازاتی سنگین را برای فرد عامل به دنبال خواهد داشت. همه افرادی که در یک عمل مجرمانه نقش و تأثیر داشته باشند از دیدگاه مراجع قضایی مجرم شناخته شده و مجازات‌های مربوطه را نیز باید متحمل شوند. ضمن این که مشکلات مالی من برای قانون دلیل قانع‌کننده‌ای برای کاهش محکومیت مجرمان نخواهد بود چرا که کسب منفعت از مجرای شرعی و قانونی وظیفه‌مند نیست. همه اقشار جامعه به حساب می‌آید و تعدادی از آن جرم محسوب می‌شود. چه خوب بود فردی که شرح حالش مورد بررسی قرار گرفت، با توجه کافی به عواقب سنگین چنین اعمال مجرمانه‌ای، درگیر طمع نمی‌شد و برای خوشبختی خانواده‌اش هم که شده، گام‌در این مسیر باطل نمی‌گذاشت.